

تئوری منظر؛ راه حل تداوم هویت محله در روند نوسازی شهری

طولانی اندیشه‌ورزی و تلاش گوناگون انسان‌هایی است که آن محیط شهری را شکل بخشیده‌اند. این معنای هویت شهری، ظرفیتی است که کارکرد بالقوه آن تداوم زندگی اجتماعی خواهد بود. از جمله این کارکردها استفاده از بازتعریف هویت محله‌ای در شهر قرن بیست و یکمی و در نوسازی بافت فرسوده‌ای است که نوسازی آن فقط از طریق خود ساکنین انجام‌پذیر است. حفظ حس تعلق به مکان و هویت‌مندی فضا و کالبد به ظاهر بی‌ارزش بافت فرسوده در نزد ساکنان، می‌تواند به‌عنوان انگیزه‌ای قوی در کنار سایر انگیزش‌ها، مشارکت مردم در فرایند نوسازی را جلب نماید.

طرح‌های جامع و تفصیلی به‌عنوان طرح‌های رایج و قانونی توسعه و برنامه‌ریزی شهری در ایران کارکرد مثبتی در حفظ هویت شهر و محلات آن نداشته‌اند. در نوسازی بافت‌های فرسوده نیز طرح‌ها، توان چاره‌جویی و راه‌اندازی روند نوسازی را نداشته‌اند. در اغلب موارد، این گونه طرح‌ها به‌علت نگرش کالبدی صرف، ارزش‌های فرهنگی-هویت‌محلات را از بین برده‌اند. بنابراین حفظ و ارتقاء هویت محله در جریان نوسازی نیازمند روشی غیر از روش معمول طرح‌های جامع و تفصیلی مرسوم ایران است.

بنابراین سؤال اساسی در نوسازی بافت‌های فرسوده شکل می‌گیرد که چارچوب قابل اتکایی که طرح نوسازی با استفاده از آن بتواند هویت محله را تداوم بخشد، کدام است؟

در میان تعاریف متفاوت و گوناگونی که از هویت شهری ارایه شده این موضع مشترک است که هویت شهری پدیده‌ای است حداقل با دو بعد اصلی. بعد اول شاکله و حقیقتی است که دیده نمی‌شود و بعد دوم سیما و کالبد و آن چیزی است که در برابر دیدگان قرار دارد. تعریف هویت یک شهر بدون این دو جنبه اصلی، نادرست و ناقص خواهد بود. با توجه به این معنای هویت، «طرح نوسازی» باید مبنای نظری و چارچوبی داشته باشد که در آن کالبد و ساختار همراه با جنبه‌های فرهنگی-اجتماعی نادیدنی شهر به‌صورت توأمان مورد توجه قرار گیرند. کما این‌که ابتدایی‌ترین نقص تجربیات ناکام نوسازی کالبدمحور در کشور ما عدم شناخت نظری درست از ماهیت چند لایه هویت شهری است.

در میان نظریات موجود و قابل استناد برای مداخله نوسازانه، «تئوری منظر» از جمله چارچوب‌هایی است که دو وجه اساسی هویت شهر را مد نظر قرار می‌دهد. در تئوری منظر، مفهوم منظر شهری به‌عنوان یک پدیده عینی-ذهنی، انسانی-کالبدی و یک ساختار اجتماعی-فضایی مطرح می‌شود. به عبارت دیگر منظر شهری پدیداری است که تنها از طریق تجربه انسانی و در تعامل میان انسان و محیط آشکار می‌شود. این مفهوم از مفهوم فضایی و سه‌بعدی کالبدی فراتر می‌رود و بعد «معنا» را مورد توجه قرار می‌دهد. این تفسیر از شهر، ابعاد ضروری توسعه و نوسازی یک محله از جمله حفظ و ارتقاء هویت شهری را مدنظر قرار می‌دهد. تئوری منظر، به‌عنوان چارچوبی برای تفسیر شهر، شاخص‌ها و ویژگی‌هایی را برای محله معرفی می‌کند که مدیریت آن‌ها در فرایند نوسازی می‌تواند موجب حفظ هویت محله شود.

پی‌نوشت

۱- دفتر نوسازی، سازمان نوسازی تهران، شماره ۲، زمستان ۸۵.

نوسازی بافت‌های فرسوده شهری یکی از چالش‌های مدیریت شهری دهه اخیر ایران است. طبق معیارهای مصوب شورای عالی شهرسازی در کل کشور حدود ۵۵۰۰۰ هکتار بافت فرسوده شناسایی شده است. این بافت‌ها اکثراً خارج از ناحیه تاریخی شهر هستند و در آن‌ها کارکردهایی در مقیاس شهر وجود ندارد. وسعت زیاد بافت‌های فرسوده و جمعیت بالای ساکنان در آن‌ها، دو شرط اساسی برای انجام نوسازی را تعیین می‌نماید؛ اول، حفظ جمعیت ساکنان در بافت‌های فرسوده و



محمود تیموری

کارشناس ارشد معماری

جلوگیری از مهاجرت‌های درون شهری است. تجربه‌های جهانی و ملی نشان داده است برنامه ریزی برای جابجایی ساکنین این نوع بافت‌ها و نوسازی صرف کالبد (که اغلب به منظور جلب منافع اقتصادی و بهره‌کشی از زمین ارزان و موقعیت شهری آن صورت می‌گیرد) نوعی پاک‌کردن صورت مساله است. زیرا در عمل محلات و بافت‌های فرسوده جدیدی توسط ساکنین رانده شده در گوشه دیگری از شهر سر بر می‌آورد. دوم، لزوم اجرای نوسازی به دست خود ساکنان محله است. زیرا طبق اظهار نظر متخصصان امر، نوسازی هر هکتار بافت فرسوده از طریق مداخله متمرکز ۱۰۰ میلیارد ریال هزینه در بر دارد. در این صورت هزینه واقعی نوسازی بافت‌های فرسوده کشور، رقمی نجومی و تأمین آن از سوی دولت، غیر ممکن خواهد بود. لذا ضروری است که روند نوسازی در جریان تحولات تدریجی شهر، هدایت شده و بر اساس اولویت‌های اجرایی صورت پذیرد.

ضرورت حفظ هویت در روند نوسازی شهری

یکی از اهداف نوسازی شهری در ایران، حفظ هویت محله به‌عنوان یک کل نیمه‌مستقل شهر در روند توسعه و نوسازی بافت‌های فرسوده است. به‌عنوان مثال سازمان نوسازی شهر تهران، «ارتقا هویت‌های شهری» را از جمله راهبردهای اصلی در دستیابی به هدف کلان حیات بخشی در بافت‌های فرسوده شهر تهران اعلام کرده است.

در واقع تمرکز شرایط فرسودگی کالبدی و ضعف حیات اقتصادی-اجتماعی محلات فرسوده به گونه‌ای است که در ظاهر امر، مداخله حداکثری، بدون توجه به حفظ هویت و ارزش‌های محله‌ای موجود را توجیه می‌نماید. اما علی‌رغم این رویکرد، نزد ساکنین این بافت‌ها، عوامل و شاخص‌های ارزشمندی وجود دارد که حس تعلق آن‌ها به محله را برمی‌انگیزد. به بیان دیگر، این محلات دارای هویت قوام یافته و تعریف شده‌ای هستند که با وجود همه کاستی‌های خدماتی و کالبدی، دارای هویت منسجم اجتماعی و حیات زنده شهری است و این امر، همان دلیلی است که ساکنین را به ادامه سکونت در محله‌های قدیمی خود ترغیب می‌کند.

هویت نه به‌عنوان «پوسته و امری الحاقی» بلکه به مثابه «تمود حقیقت» از شروط اساسی تداوم حیات اجتماعی-کالبدی شهر است. شهر، تبلور تاریخ و تمدن اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند و هویت آن محصول سال‌های



محله یافت آباد



محله یافت آباد



محله بازار اراک